

بررسی و تبیین نقش سیاسی حضرت خدیجه علیها السلام در گسترش اسلام

اسماعیل سخا^۱، امیرتیمور رفیعی^۲، کیوان لولوئی^۳، سید حسن قریشی کرین^۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل نقش سیاسی حضرت خدیجه علیها السلام در گسترش اسلام انجام شد. بدین منظور کلیه منابع مکتوب تاریخی مربوطه به روش اسنادی- کتابخانه‌ای بررسی و تحلیل شد. با توجه به اینکه در عصر جاهلیت و در صدر اسلام، در جامعه عربستان کلمه سیاست ملموس نبوده است، در پژوهش حاضر نقش سیاسی حضرت خدیجه علیها السلام با توجه به نوع فعالیت‌های ایشان و بازتاب‌ها و نتایج آن فعالیت‌ها برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و پیشرفت اهداف ایشان بررسی شد. نتایج نشان داد که اگرچه در عصر جاهلیت، قبیله یک واحد سیاسی تلقی می‌شد و متنفذان این واحد سیاسی سروران طبیعی قوم بودند، حضرت خدیجه علیها السلام توانست با عواملی همچون موقعیت سیاسی خود، ازدواج با حضرت محمد صلی الله علیه و آله، بخشش تمام اموال خود به ایشان و اعلام توانمندی مالی حضرت محمد صلی الله علیه و آله در میان عموم مردم و بزرگان مکه ایشان را از جایگاه سیاسی بسیار مهمی برخوردار نماید و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز توانست با توجه به همین جایگاه، بسیاری از اهداف رسالت خود را به سرانجام رساند.

واژگان کلیدی: نقش سیاسی حضرت خدیجه علیها السلام، گسترش اسلام، صدر

اسلام، عصر جاهلیت.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۹ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

۱. دانشجوی دکترای تخصصی تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، محلات، ایران.

Email: sakhaesmaeil@yahoo.com

۲. استادیار تاریخ، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، محلات، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: AmirTeymour_raffei@yahoo.com

۳. استادیار تاریخ، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، محلات، ایران.

Email: K.Loloie@gmail.com

۴. استادیار تاریخ، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور واحد قم، قم، ایران.

Email: shquorishi@gmail.com

Investigating and Explaining the Political Role of Hazrat Khadijah in the Spread of Islam

Esmail Sakha¹, Amir Teimour Rafiei², Keivan Loloie³, Seyed Hassan Ghoreishi Kerin⁴

This study was conducted with the purpose of investigating and analyzing the political role of Hazrat Khadijah in the spread of Islam; thus, all written historical sources related to the subject were reviewed and analyzed by the documentary-library methodology. Considering that in the age of ignorance and in the beginning of Islam, the word Politics was not a conventional word in the society of Arabia, in this study, the role of Hazrat Khadijah was analyzed concerning her activities, its feedbacks, and its results for the Prophet Mohammad and his goals. According to the results, in the age of ignorance, although the tribe was considered as a political unit and those who had influence in it were the natural masters of its family, Hazrat Khadijah could made the Prophet Mohammad have an important position among all the people and the elders of Mecca by her political position, getting married to the Prophet Mohammad, donating all her property to him, and declaring his financial capability. The Prophet Mohammad could also reach many of the goals of his mission with the help of such a position.

Keywords: political role of Hazrat Khadijah, the spread of Islam, beginning of Islam, age of ignorance.

Paper Type: Research

Data Received: 2020 / 04 / 28 **Data Revised:** 2020 / 11 / 05 **Data Accepted:** 2020 / 12 / 30

1. Ph.D. Student in History of Islam, History Department, Islamic Azad University, Mahalat Branch, Mahalat, Iran.

Email: sakhaesmaeil@yahoo.com

2. Assistant Professor of History, Faculty Member of Islamic Azad University, Mahalat Branch, Mahalat, Iran.

(Corresponding Author)

Email: amirteymour_rafiei@yahoo.com

3. Assistant Professor of History, Faculty Member of Islamic Azad University, Mahalat Branch, Mahalat, Iran.

Email: k.loloie@gmail.com

4. Assistant Professor of History, Faculty Member of Payam Nour University, Qom Branch, Qom, Iran.

Email: shquorishi@gmail.com

۱. مقدمه

وضعیت سیاسی جزیره العرب عبارت از زندگی قبایل مختلفی بود که تحت سلطه هیچ حاکمیت سیاسی واحدی نبودند. هر قبیله برای خود حاکمیتی مستقل از سایر قبایل داشت به طوری که می توان حکومت آنها را قبیله ای دانست. حضرت خدیجه علیها السلام در چنین موقعیت سیاسی در عصر جاهلیت می زیست. اگرچه در کتب تاریخی بسیاری مانند تاریخ یعقوبی، تاریخ طبری، سیره ابن هشام، سیره حلبی، اسد الغابه ابن اثیر، بلوغ الارب آلوسی، لسان العرب ابن منظور، الاخبار الطوال دینوری، الاصابه ابن حجر عسقلانی، بحار الانوار مجلسی، سیر اعلام النبلاء ذهبی، تاریخ اسلام دوانی، فروغ ابدیت سبحانی و همچنین مقالات بسیاری مانند القاب و فضایل خدیجه از صاحبی مفرد، نخستین بانوی رستگار اسلام از خوش عمل، مادر بی همتای عشق از بختیاری و غیره، گوشه ای از خصوصیات فردی، اجتماعی و اقتصادی ایشان مطرح شده است، اما به نقش و تأثیرات سیاسی بسیار مؤثر ایشان به علت ملموس نبودن واژه سیاست، سیاسی بازی و سیاسی گری اشاره نشده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی نوع فعالیت های حضرت خدیجه علیها السلام و بازتاب و نتایج آنها در گسترش اسلام انجام شد. البته تمام سیره نویسان و تاریخ نگاران به این دلیل که در جامعه جاهلیت، سیاست به صورت خاص وجود نداشته و هر قبیله فقط خصوصیات و قوانین خود را دنبال می کرد بیشتر موارد، تأثیر سیاسی در فعالیت های اجتماعی خلاصه شده است. اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر در این است که نشان می دهد حضرت خدیجه علیها السلام ثابت کرد که می توان در جامعه جاهلی و محیط ناسالم، پاک دامن زندگی کرد و از نظر سیاسی نیز به رشد و تعالی بالایی دست یافت.

۲. چهارچوب نظری پژوهش

۱-۲. مفهوم شناسی کلمه سیاست

سیاست در لغت، خط مشی یا خط سیر و راهی است که انسان پیش رو دارد. در اصطلاح عام، روند و انجام تصمیم گیری ها برای هر گروه مانند حکومت ها، کشورها، نهادهای سازمانی، دانشگاهی، دینی و دیگر نهادهاست و در اصطلاح خاص، روند و انجام تصمیم گیری ها برای

حکومت‌ها و کشورها معنا می‌شود. در فرهنگ دهخدا آمده است: «سیاست یعنی، تدبیر امور، مصلحت‌اندیشی و دوراندیشی» (دهخدا، ۱۳۷۳، ۳۸ / ذیل واژه سیاست). در فرهنگ معین آمده است: «سیاست به معنای حکم‌راندن به رعیت و اداره کردن امور داخلی و خارجی کشور و همچنین داوری، سزا، تنبیه و جزاست» (معین، ۱۳۸۶). برای واژه سیاست، معانی زیاد و متفاوتی ارائه شده است تا آنجا که تاکنون حدود ۲۰۰ معنا برای این واژه ارائه شده است، اما به طور کلی می‌توان معانی ذیل را به عنوان مهمترین معانی که در عرصه عمل و کاربرد نیز استفاده می‌شود، نام برد.

- سیاست به معنای علم قدرت: عده‌ای از نظریه‌پردازان غربی مانند فرانکل^۱، ماکیاوول^۲، فرانکلین لووان بومرور^۳، نیچه^۴ و... علم سیاست را علم قدرت دانسته‌اند. اگرچه این تعریف دست‌کم در عمل از ابتدای تشکل حکومت‌ها در جامعه بشری وجود داشت، اما تدوین کلاسیک این تعریف به مویس دوورژه^۵ برمی‌گردد. (دوورژه، ۱۳۸۲)

- سیاست به معنای علم دولت: عده‌ای دیگر از نظریه‌پردازان غربی معتقدند که سیاست یعنی، علم دولت و منظور، علمی است که رفتار دولت را بررسی و مطالعه می‌کند. (وینست^۶، ۱۳۹۱)

- تعاریف دیگر سیاست: هارولد لاسول^۷ می‌گوید: «سیاست یعنی، علمی که می‌آموزد، چه کسی می‌برد، چه زمانی می‌برد، چرا می‌برد، چگونه می‌برد». (مکنسی^۸، ۱۳۴۶) ماکس وبر^۹ معتقد است: «سیاست یعنی، حرفه». سیاست تلاشی است برای مشارکت در کسب قدرت و سعی در اعمال نفوذ برای اختصاص دادن قدرت در هر رده‌ای از تشکیلات، اعم از گروه‌ها و یا دولت‌ها. بنابراین، هرکس با هر انگیزه، چه اهداف آرمانی و چه اهداف مادی و چه اهداف جاه طلبانه و چه لذتی که از کسب قدرت به دست می‌آید، دست به هر اقدامی برای مشارکت در قدرت بزند، عمل سیاسی انجام داده است (رجایی، ۱۳۹۰).

- سیاست در فرهنگ سیاسی اسلام: نظریه‌پردازان و سیاستمداران اسلامی، سیاست

1. Frankel
2. Machiavelli
3. Franklin Leuven Beaumerre
4. Nietzsche
5. Moyes Duorje
6. Winest
7. Harold LaSol
8. Mac Iver
9. Max Weber

را به معنای تمشیت امور، چه در امر دولت و چه غیر دولت آورده‌اند؛ زیرا سیاست در هر امری روان است. در فرهنگ معین آمده است: «تمشیت امور یعنی، روان کردن، راه انداختن و سامان دادن» که مستلزم همان مصحلت اندیشی، دوراندیشی و اداره امور است. باتوجه به تعاریف ذکرشده، می‌توان لغت سیاست را به معنی ریاست، داوری، مصلحت، تدبیر و... در نظر گرفت. از دیدگاه اصطلاحی اندیشمندان غربی، سیاست به چهار دسته تقسیم می‌شود که عبارتند از: سیاست به معنی مطالعه دولت؛ سیاست به معنی مطالعه حکومت؛ سیاست به معنی قدرت مطلق، اعم از حکومتی یا غیرحکومتی و سیاست به معنی رفتار. سیاست از دیدگاه اندیشمندان اسلامی به معنی ملک، حکومت، ولایت و... آمده و وجه مشترک تمام تعاریف ارائه شده از جانب مسلمانان این است که سیاست را از دیدگاه رابطه انسان با خدا تعریف کرده‌اند که همان مسئله هدایت‌گری است و از دیدگاه اندیشمندان غربی بر مدار قدرت می‌چرخد.

۲-۲. حضور زنان عصر جاهلی در فعالیت‌های سیاسی

۱-۲-۲. حضور زنان در جبهه‌های جنگ

زن در جنگ‌های مردم جاهلی از ارکان زندگی آنها و عاملی انگیزه‌ساز و مهیج برای نبرد بود. جنگجویان برای فرار از ننگ اسارت زنان و دختران خود نبرد می‌کردند و دشمن نیز به طمع اسیرکردن آنها شمشیر می‌زد. اسارت زنان، عامل هجو و عدم آن عاملی برای تفاخر آنها بود. یکی از افتخارات قریش این بود که هیچ زن قریشی به اسارت نرفته بود. (سعد زغلول، ۱۹۷۵) زنان با سرودن اشعار و نواختن دف، مردان را به مقاومت و مبارزه فرامی‌خواندند. در جنگ احد چنین بود و زنان با زدن دف، این اشعار را تکرار می‌کردند: «ما دختران طارقیم. روی فرش‌های گران بها راه می‌رویم. اگر رو به دشمن کنید، با شما همبستر می‌شویم و اگر پشت به دشمن نمایید و فرار کنید از شما جدا می‌شویم» (طبری، ۱۳۷۵).

در یکی از جنگ‌های عرب جاهلی با سربازان کسرای ایران، همین‌که عرب‌ها مشرف به شکست شدند زنی از زنان قبیله به نام صفیه، دختر ثعلبه برخاست و ریسمان‌ها را برید و زنان از روی شتران به زمین افتادند. مردان این صحنه را که دیدند چنان به جنگیدن و مبارزه کردن تحریک شدند که گویی امید و علاقه‌ای به زنده بودن ندارند. (بموت، ۱۴۱۹) در



جنگ حنین نیز زنان جاهلی با همین هدف در جنگ حضور یافتند (ابن اثیر، ۱۴۰۸). در جنگ احد پرچم مشرکان به طور دائم به زمین می خورد تا اینکه عمره، دختر علقه حارثیه، پرچم قریش را به دست گرفت و مشرکان برای حفظ او تلاش مضاعف کردند و پرچم به زمین نخورد. حسان بن ثابت در هجو مشرکان این گونه سرود: «فلولا لواء الحارثیه اصبحوا یباعون فی الاسواق بیع الجلائب؛ اگر پرچم دختر حارثیه نبود، هرآینه (شکست خورده و) در بازار برده فروش ها فروخته می شدند» (ابن هشام، ۱۴۱۱).

سرودن اشعار حماسی و تشجیع جنگجویان به نبرد یا هجو دشمنان از جلوه های حضور زن جاهلی در عرصه های سیاسی بود. در جنگ احد، هند با هدف تضعیف روحیه مسلمانان، اشعاری سرود و می گفت: «نحن جزیناکم بیوم بدر والحرب یوم الحرب ذات سعء؛ همانا پاسخ شما در برابر روز بدر را دادیم و آتش جنگ در روز جنگ شعله می کشد». اروی، دختر حارث بن عبدالمطلب، هم از جبهه مسلمانان در پاسخ او می گوید: «یا بنت وقّاع عظیم الکفر خزیت فی بدر و غیر بدر؛ ای دختر سرآمد کفر و فتنه، تو در بدر و غیر بدر خوار و زبون هستی» (ابن طیفور، ۱۳۶۱). در مواقعی دشمن با هدف تضعیف روحیه به سرودن اشعار هجو در مورد زنان و دختران رقیب می پرداخت. در یکی از جنگ های بین اوس و خزرج، حسان بن ثابت چنین می کند و در جواب قیس بن عظیم با همان وزن و قافیه، همسر حسان را هجو می کند (امل نصیر، ۲۰۰۰). کعب بن اشرف نیز پس از جنگ بدر در قصیده ای، زنان مسلمان را هجو کرد. یکی از دلایل قتل او توسط مسلمانان همین مسئله بود (طبری، ۱۳۷۵).

برخی پناه دادن زنان و پذیرش آن از سوی مردان را از مصادیق حضور زن در عرصه سیاست می دانند. صفیه، دختر ثعلبه، به زنی فراری از اردوگاه سربازان کسرای ایران پناه داد. قبیله او از این کار حمایت کرد و چند دوره جنگ با ایرانیان را به جان خرید. (بموت، ۱۴۱۹). اگرچه این حمایت، برخاسته از تعصبات جاهلی بود، ولی شاهدهی بر حضور سیاسی زن است. در موردی دیگر، از پذیرش امان سیبیه، دختر عبد شمس، و خماعه، دختر عوف بن محلم، گزارش شده است. البته کسانی که در امان این زن قرار گرفتند بعدها مورد هجو و تمسخر دیگران قرار گرفتند که خود نشانگر استثنایی و نادر بودن چنین امری است (ابوالفرج

روش زندگی ائمه اطهار علیهم السلام نیز مؤید حضور تعیین کننده، نقش آفرین و فعال زنان در بالاترین سطوح سیاسی بود. در دوران جاهلیت، در عربستان برخی از قبایل، دختران را به جرم جنسیتشان زنده در گور می کردند، اما در همین شرایط محیطی، حضرت حضرت محمد صلی الله علیه و آله مدافع حضور زنان در بالاترین سطوح سیاسی-اجتماعی و حتی حضور در جبهه های جنگ بود. برخی از زنان که پیامبر صلی الله علیه و آله را در جنگ ها همراهی می کردند و در گزارش های تاریخی نام آنها ذکر شده است که عبارتند از: ام سنان الاسلمیه، امیه (دختر قیس بن ابی صلت)، حمنه (دختر عمه حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، زرقا (دختر عدی بن قیس حمدانی) کعبه (دختر سعید اسلمی)، لیلا غفاری، نسیبه (دختر حارثه انصاری، ام ابان (دختر عتب بن ربیع) (رک.، محلاتی، ۱۳۸۵)، صفیه (عمه پیامبر صلی الله علیه و آله) (رک.، بهشتی ۱۳۶۸) و غیره.

۲-۲-۲. حضور زنان در عرصه های اقتصادی داخل و خارج از خانه

برخی از گزارش های تاریخی از انواع مشاغل زنان در عصر جاهلیت در خانه و خارج از آن سخن به گفته اند که آنها مسئول اداره امور خانه بودند. شعر عرب جاهلی این مسئله را تأیید می کند. مشاغل خانگی مانند پخت نان، نظافت، خیاطی، اصلاح خیمه و تربیت فرزندان به عهده آنها بود. (هاشمی، ۱۹۶۰؛ جواد، ۱۹۷۶) همچنین در امور دیگر چون دامداری، شیردوشی، تهیه آب و جمع آوری هیزم با دیگران مشارکت داشتند (زهیر حطب، ۱۹۷۶). از مشاغل خارج خانه زنان در جاهلیت نیز آمده است که تجارت، یکی از شغل هایی است که برخی از زنان انجام می دادند. معروف ترین آنها حضرت خدیجه علیها السلام، همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، است. او تاجر و صاحب سرمایه بود که مردان را برای تجارت استخدام می کرد و به کار می گرفت؛ وی پس از شنیدن آوازه امانت داری و صداقت رسول الله صلی الله علیه و آله ایشان را به همکاری دعوت کرد (طبری، ۱۳۷۵).

از دیگر زنانی که نام او جزء تجار مکه آمده، زنی به نام ام شیبیه، دختر ابی طلحه، است. (طبری، ۱۳۷۵) برخی از زنان نیز به فروشنده مشغول بودند. عطر فروشی زنی به نام حولاء، دختر تویت، در منابع تاریخی گزارش شده است (ابن اثیر، ۱۴۰۸؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۲). زنی دیگر به نام منشم در مکه عطر می فروخت. جنگجویان قبل از جنگ، خود را با عطرها و معطر می کردند. این کار آن قدر رواج یافت که کم کم به ضرب المثل تبدیل شد و وقتی می گفتند

از عطر منشم استفاده کردند یعنی، آماده نبرد شدند (کحاله، ۱۴۰۲). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام هجرت، به خیمه زنی به نام ام معبد خزاعیه رفت و از او گوشت و خرما خرید (ابن سعد، ۱۴۱۴). قابلیت و پرستاری از دیگر مشاغل زنان جاهلی بود (کحاله، ۱۴۰۲). زنان در برخی از صنایع نیز سررشته داشتند. زنی به نام ردینه به اسلحه سازی مشغول بود. نیزه‌هایی که او می ساخت از نظر کیفیت مشهور بود (کحاله، ۱۴۰۲). کهانت (فال گویی، پیشگویی) در میان زنان جاهلی جایگاه خاصی داشت؛ طریفه و زبیر از مشهورترین این زنان بودند (ابن اثیر، ۱۴۰۸).

آرایشگری نیز از مشاغلی بود که زنان بسیاری به آن مشغول بودند. برخی از این زنان پس از اسلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مراجعه کردند و احکام شغل خود را جویا شدند. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۲) از دیگر مشاغل، نوحه‌گری و مدیحه سرایی بود که زنان در آن حضوری پررنگ داشتند. مشهورترین این زنان در جاهلیت، خنساء، بنت عمرو، بود (کحاله، ۱۴۰۲). از دیگر مشاغل رایج آن زمان، دایگی، شیردهی و حضانت کودکان بود. زنان بسیاری بودند که به عنوان کسب، نگهداری و پرستاری اطفال را به عهده می گرفتند. مردم جاهلی نیز برای بالارفتن خصلت‌های والا به ویژه فصاحت، بلاغت و جنگ‌آوری، فرزندان خود را به دایه‌های بادیه نشین می سپردند. مشهورترین آنها حلیمه سعدیه بود که دایگی و شیردهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به عهده داشت (ابن هشام، ۱۴۱۱).

از جلوه‌های تأسف باراشتغال زنان، کسب جنسی آنها بود. (جواد، ۱۹۷۶) برخی، کنیزان خود را برای جلب منافع اقتصادی، مجبور به زنا می کردند و آنها را در اختیار دیگران قرار می دادند و در مقابل، پول می گرفتند که آیه ۳۳ سوره نور در تحریم همین امر نازل شد. البته گویا این نوع کسب، مختص کنیزان نبود بلکه هنگام قحطی و فقر، برخی از شوهران با در اختیار قرار دادن همسران خود کاسبی می کردند. طبری می گوید:

زنانی بودند معروف به اصحاب الرایات که از این راه کاسبی می کردند». برخی از مسلمانان بی بضاعت، به طمع درآمد این زنان، تصمیم به ازدواج با ایشان داشتند که پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه نداد و این آیه سوم سوره نور را قرائت کرد: «مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی کند و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک به ازدواج خود در نمی آورد و این کار بر مؤمنان حرام شده است». (طبری، ۱۳۷۵)



۲-۲-۳. حضور زنان در عرصه فرهنگ

زنان جاهلی در زمینه شعر و خطابه فعال بودند به گونه‌ای که نام برخی از آنها جزء مشاهیر شعر جاهلی ذکر شده است. خنساء که در سرودن شعر شهرت دارد در بازار عکاظ، هشت اشکال به یکی از شعرهای شاعر مشهور عرب، حسان بن ثابت، وارد کرد. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۹۹۴) زنی دیگر به نام ام جندب که همسر شاعر معروف امروالقیس بود به سبب توانایی اش در عرصه شعر، داور انتخاب بهترین اشعار شد. او در داوری بین شعر شوهر خود و شاعری دیگر به نام علقه، شعر علقه را انتخاب کرد (عقیفی، ۱۹۰۰). بیشتر اشعار زنان جاهلی در رسای پدر، برادر و شوهر یا دیگر بزرگان قبیله بود. اشعار خنساء در رسای دو برادرش، شهرت خاصی داشت (هاشمی، ۱۹۶۰). دختران عبدالمطلب نیز به درخواست پدر، قبل از مرگش در رسای او فی البداهه شعر سرودند (ابن هشام، ۱۴۱۱). نمونه‌های فراوانی از اشعار رثای زنان را می‌توان در کتاب *شاعرات العرب فی الجاهلیه والسلام* مطالعه کرد (یموت، ۱۴۱۹).

یکی از مضامین رایج شعر جاهلی، مقوله زن و معشوقه است. دلبستگی شاعر جاهلی به زن، بیشتر گرایش جسمانی و شهوانی داشت. (شوقی ضیف، ۱۹۶۰) شاعر به توصیف جسم زن می‌پرداخت و هیچ عضو او را فراموش نمی‌کرد. همچنین زن در شعر جاهلی به گونه‌ای توصیف شده که فقط در پی شهرت و مال است (شوقی ضیف، ۱۹۶۰). جواد علی که بیشتر در صدد پررنگ نشان دادن علم، فرهنگ و ادب عصر جاهلی است خطابه را یکی از وجوه این فرهنگ می‌داند و پس از شمردن نام بسیاری از خطبای جاهلی از زنی به نام هندالایادیه، دختر خس بن حابس، یاد می‌کند (جواد، ۱۹۷۶). آلوسی در کنار هندالایادیه از جمعه (دختر حابس)، صحر (دختر لقمان)، خضیله (دختر عامر) و حذام (دختر ریان) نام برده است و آنها را از فصیحان و حکیمان دوران جاهلی می‌داند (آلوسی، ۱۳۱۴). البته برخی، جمعه (دختر حابس) را همان هندالایادیه می‌دانند (جواد، ۱۹۷۶).

پژوهش حاضر، نقش سیاسی حضرت حضرت خدیجه ع.ا.س. در سه دوره یعنی، قبل از ازدواج با حضرت محمد ص.ا.ع.، از زمان ازدواج با حضرت محمد ص.ا.ع. تا بعثت و از بعثت تا سال دهم بعثت (سال وفات ایشان) را بیان و حمایت‌های معنوی، مادی و سیاسی ایشان از پیامبر ص.ا.ع. و همچنین نقش ایشان در پیشبرد دعوت پیامبر



گرامی اسلام ﷺ را بررسی کرده است. حضرت خدیجه ع.ا.س. از هیچ‌گونه فداکاری در راه عقیده خود دریغ نکرد و در آرامش بخشی به حضرت محمد ص.ا.ع. نقش مهمی داشت و با حمایت‌های همه‌جانبه خود از پیامبر ص.ا.ع. و مسلمانان، نقش مؤثری در گسترش اسلام ایفا کرد. حضرت خدیجه ع.ا.س. در قبل از بعثت در حساس‌ترین شرایط زندگی حضرت محمد ص.ا.ع. با ایشان ازدواج نمود. حضرت محمد ص.ا.ع. از کودکی یتیم بود و در سرپرستی عموی خود، ابوطالب، می‌زیست، از مال دنیا هم بسیار تهیدست بود. اگرچه ایشان از خانواده هاشمی بود و در جوانی به امین بودن شهرت داشت، ولی به علت عدم بضاعت مالی که نقش اساسی در موقعیت سیاسی افراد ایفا می‌کرد، جایگاه سیاسی نداشت. حضرت خدیجه ع.ا.س. بود که استعدادها و شخصیت واقعی حضرت محمد ص.ا.ع. در سن جوانی را شناخت و تمام خواستگاران سرمایه‌دار خود را با شجاعت رد کرد و خودش برای ازدواج مبارک با این جوان امین پیش قدم شد. حضرت خدیجه تلاش‌های فراوانی برای معرفت، شناخت کمالات، روحیات و صفات حضرت محمد ص.ا.ع. انجام داد که این تلاش‌های مخلصانه موجب ارتقای موقعیت سیاسی ایشان شد.

۲-۳. وضعیت سیاسی جزیره العرب

یکی از راه‌های مهم شناخت نقش سیاسی افرادی مانند حضرت خدیجه ع.ا.س. در رشد و نمو اسلام، آشنایی با محیطی است که اسلام در آن رشد یافته است. از این رو، فهم و درک ویژگی‌های عصر جاهلیت بسیار مهم است؛ زیرا با شناخت این دوران می‌توان تأثیر اسلام بر محیط سیاسی آن را بهتر مطالعه کرد. واژه جاهلیت چهاربار در سوره‌های مدنی قرآن با تعابیر «ظَنُّ الْجَاهِلِيَّةِ»، «حُكْمُ الْجَاهِلِيَّةِ»، «تَبَرُّجُ جَاهِلِيَّةٍ» و «حَمِيَّةُ الْجَاهِلِيَّةِ» به کار رفته و در همه موارد همراه با ملامت است.

۲-۳-۱. قبیله مهمترین واحد سیاسی - اجتماعی در دوره جاهلی

همه تاریخ‌نگاران معتقدند که قبیله، مجموعه‌ای از خانواده‌ها و خاندان‌هایی است که جد واحد و سرزمین، سنت، تبار، زبان، فرهنگ و نام مشترک دارند. تمام این موارد، پایه اتحاد و پیوستگی در گروه‌های کوچک‌تر زیرمجموعه قبیله را تشکیل می‌دهد. (عسگری خانقاه، ۱۳۶۸) در نظام قبیله‌ای، هر قبیله، سه رکن اساسی نسب، عصب و حسب داشت و قبیله، یک



واحد سیاسی تلقی می‌شد که متنفذان قوم از نظر داشتن خصلت‌های خاص، نقش یک حاکم سیاسی را در آن ایفا می‌کردند. قبایل عرب شخصی را به‌عنوان رهبر و با نام سید قبیله می‌پذیرفتند (سالم، ۱۳۸۰؛ برو، ۱۴۱۷). فرمان سید قوم برای همه افراد قبیله، مطاع و حکمش نافذ بود و افراد قبیله اطاعت از وی را بر خود لازم و واجب می‌شمردند.

۲-۳-۲. اوضاع سیاسی-اجتماعی حاکم بر شهر مکه مقارن ظهور اسلام

شهر مکه مقارن ظهور اسلام محل تجمع و زندگی قبیله قریش بود. این قبیله در مدت زمان حضور خود در منطقه وادی القری از نظر سیاسی-اجتماعی چهار دوره زمانی متفاوت را پشت سر گذاشت که عبارت است از: از زمان ورود به منطقه وادی القری تا ظهور قصی بن کلاب؛ از زمان ظهور قصی تا ریاست هاشم بن عبدالمنف؛ از زمان ریاست هاشم تا ریاست عبدالمطلب و از زمان مرگ عبدالمطلب تا بعثت پیامبر ﷺ که این دوره را می‌توان دوران حکومت اشراف نامید. در این زمان کار اداره مکه در اختیار گروهی از بزرگان و اشراف قریش به نام ملاً قرار گرفت. اینان گروه کوچکی بودند که به دلیل ثروت، جایگاه و نفوذ خود، بر مقدرات مکه و قریش حاکم شدند، امور را در دست گرفتند و سلطه خود را بر سایرین اعمال کردند. (عبدالکریم، ۱۹۹۷) در جامعه جاهلیت، زنان برخی از نقش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را دنبال می‌کردند و در شئون مختلف جامعه مشارکت مهمی داشتند. حضرت خدیجه رضی الله عنها در چنین محیطی زندگی می‌کرد.

۲-۴. حضور سیاسی-اجتماعی حضرت خدیجه رضی الله عنها قبل از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

مشارکت سیاسی، یکی از حقوق مهم افراد در اجتماع است. جایگاه و حضور سیاسی حضرت خدیجه رضی الله عنها در جاهلیت به شکل‌های مختلف قابل مشاهده است. پدر و اجداد پدری و مادری حضرت خدیجه رضی الله عنها از احناف بودند. در شبه جزیره عربستان، گروهی پیرو دین حنیف و یکتاپرست بودند، از آیین حقیقی حضرت ابراهیم علیه السلام پیروی می‌کردند و در جامعه جایگاه خاصی داشتند. واژه حنیف چندین بار در قرآن کریم آمده است. آیین حنیف محور اساسی همه ادیان آسمانی و آیینی جهانی است. این آیین دینی در عرض ادیانی مانند مسیحیت، یهودیت و اسلام قلمداد نمی‌شود بلکه صفتی برای همه ادیان الهی است. کاربردهای قرآنی کلمه حنیف، تأییدی بر برداشت نوشتار حاضر از معنای

اصطلاحی آن است (رک.، بقره: ۱۳۵؛ آل عمران: ۶۷-۹۵؛ نساء: ۱۲۵؛ انعام: ۷۹-۱۶۱؛ یونس: ۱۰۵؛ یوسف: ۳۸؛ نحل: ۱۲۰-۱۲۳؛ روم: ۳۰).

حنفا خطاهای اعتقادی جامعه را برای مردم بازگو می‌کردند و اظهار می‌کردند که سنگ و چوب، هیچ نفع و ضرری ندارد. آنها مردم را از اعمال ناپسند و رفتارهای خشن مانند زنده به‌گور کردن دختران بازمی‌داشتند. برخی از آنها مانند عبدالمطلب، صعصعه و زید بن عمرو صدها دختر را در عوض شتران خود از پدرانشان خریدند و از قتل نجات دادند. براساس شواهد تاریخی، تمام اجداد رسول خدا ﷺ و حضرت خدیجه رضی الله عنها اعم از قصى بن کلاب، عبدمناف، هاشم، عبدالمطلب، ابوطالب و اسد بن عبدالعزی از احناف بودند. علاوه بر نیاکان پیامبر ﷺ افراد دیگری نیز جزء حنفا بودند مانند قس بن ساعده ایادی، زید بن عمرو بن نفیل قرشی، امیه ابن ابی الصلت ثقفی، ارباب بن رئاب، سوید بن عامر مصقلی، اسعد ابوکرب حمیری، وکیع بن زهیر ایادی، عمر بن جندب جهنی، عدی بن زید عبادی، ابوقیس صرم، سیف بن ذی یزن حمیری، ورقه بن نوفل قرشی، عامر بن ظرب عدوانی، عبد طابخه بن ثعلب بن وبره بن قضاعه، علاف بن شهاب تمیمی، متلمس بن امیه کنانی، زهیر بن ابی سلمی، خالد بن سنان عبسی، عبدالله قضاعی، عبیدالله بن ابرص اسدی و کعب بن لوءی بن غالب.

برخی پیامبر اکرم ﷺ را مولود فرهنگ و نیاز جامعه خود و دین اسلام را نهضتی از سنخ بازگشت حنفا به آیین حنفیت می‌دانند. (رک.، نصر حامد، ۱۳۸۰) از تأیید جریان حنفا در قرآن می‌توان نتیجه گرفت که پیامبر اکرم ﷺ دید مثبتی به حنفا داشته است، البته این امر در مورد تمام حنفا کلیت ندارد بلکه ایشان برخی از آنها مانند امیه بن اباصلت، اباعامر بن صیفی و مسیلمه بن حبیب را مذمت کرده است. (جواد علی، ۱۹۷۶؛ صباغ، ۱۹۹۸) از جمله مسائلی که مشرکین برای عدم پذیرش توحید عنوان می‌کردند بی سابقه بودن فکر توحید برای آنها بود. برخی از آنها می‌گفتند چنین سخنی را تا به حال نشنیده‌اند. بنابراین، لازم بود پیامبر ﷺ تعجب آنها را نسبت به مسئله توحید برطرف کند تا راه برای پذیرش آنها باز شود. بهترین زمینه برای بهره‌گیری در این مسیر، استفاده از عنوان حنیف و حنفاء بود که آشنایی مردم با این عنوان می‌توانست زمینه رفع تعجب از اذهان و مشوق پذیرش توحید شود.

بنابراین، پیامبر ﷺ به دلیل احترام نسبت به حضرت ابراهیم ؑ و سابقه ذهنی مردم از ارتباط ایشان با حنفیت، می‌کوشید گذشته یکتاپرستی حضرت ابراهیم ؑ و همراهان او را به مردم یادآوری و اعلام کند که کلام او کلام تازه و بی‌سابقه‌ای نیست بلکه اجداد خود آنها در گذشته‌های دور موحد بوده‌اند (جعفریان، ۱۳۶۹). با توجه به حضور جدی اجداد حضرت رسول ﷺ و حضرت خدیجه ؑ در پیمان حلف‌الفضول و دستگیری از محرومان و ضعیفان که از آداب و رسوم شریف پیروان دین حنیف بود، ایشان توانست با کمک‌های مادی، معنوی و سیاسی حضرت خدیجه ؑ اسلام را در مدت ۲۳ از حیات شریفش در دورترین نقاط بیرون از شبه جزیره عربستان گسترش دهد.

جد حضرت خدیجه ؑ اسد بن عبد العزی از اعضای پیمان معروف حلف‌الفضول بود. (ابن هشام، ۱۴۱۱؛ ابن سعد، ۱۴۱۴؛ یعقوبی، ۱۳۸۴) گفته‌اند که این پیمان، شریف‌ترین و بهترین پیمانی است که در زمان جاهلیت برای گرفتن حق مظلوم از ظالم منعقد شده بود.

خُوَیْل، پدر حضرت حضرت خدیجه ؑ، از بزرگان و شخصیت‌های برجسته قریش و پیرو آیین ابراهیم بود. او وضعیت مالی بسیار خوبی داشت و در بین مردم، صاحب‌نام و احترام بسیاری بود. (غزالی اصفهانی، ۱۳۸۸) خویلد از تیره‌ای معروف و از قریش است؛ او در دوره جاهلیت، مهتر طایفه خود بود (شهیدی، ۱۳۸۶). حضرت خدیجه ؑ بنت خُوَیلد در خانواده‌ای اشرافی و با نسبی اصیل و آباء و اجدادی پرافتخار رشد و پرورش یافت و ثروت خانواده او در میان اعراب معروف بود. پدر حضرت خدیجه ؑ در جنگ فجار کشته شد (یمانی، ۱۹۹۸؛ معروف الحسنی، ۱۳۶۰).

حضرت خدیجه ؑ آن قدر پاک‌دامن بود که در زمان جاهلیت او را طاهره، مبارکه و سیده زنان می‌خواندند. این نشان‌دهنده پاک‌دامنی او در هنگام بی‌همسری و در آن محیط فاسد و آلوده است. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۲) برخی از تاریخ‌نگاران در کتب خود نوشته‌اند: «وكانت في الجاهلية الطاهرة؛ خدیجه ؑ در روزگار تیره‌وتار جاهلیت نیز پاک‌روش و پاک‌منش یا طاهره بود» (هیثمی المصری، ۱۴۲۲). «وَ كَانَتْ خَدِيجَةَ تُدْعَى فِي الْجَاهِلِيَةِ الطَّاهِرَةَ؛ نامش در جاهلیت طاهره بوده است» (مجلسی، ۱۴۰۴؛ نویری، ۱۳۶۴؛ ذهبی، ۱۴۱۷).



۲-۴-۱. حمایت سیاسی و اجتماعی حضرت خدیجه از یتیمان و بینوایان

شخصیت حضرت خدیجه ع در عصر جاهلیت به گونه‌ای بود که همه مردم و بزرگان مکه می دانستند که ایشان از یتیمان به طور مستقیم حمایت می کند. بنابراین به او لقب **أُمُّ الْيَتَامَى** (مهدی پور، ۱۳۸۶)

۲-۴-۲. جایگاه سیاسی حضرت خدیجه با توجه به سواد خواندن و نوشتن، شاعر و ادیب بودن

در جامعه جاهلیت افراد کمی علم خواندن و نوشتن داشتند. بنابراین، صاحبان این نعمت جایگاه سیاسی خوبی در بین مردم داشتند و مردم به آنها احترام می گذاشتند. یکی از القاب حضرت خدیجه ع فاضله است؛ یعنی زنی که دارای دانش و قدرت خواندن و نوشتن است. صاحب *الغدیر* او را در شمار سراینندگان نامدار می داند و بر این عقیده است که آن بانوی معظم، قریحه‌ای لطیف و ذوقی ظریف داشت. اشعار و قصیده‌های مشحون ایشان از ظرافت‌های ادبی و معنوی او که پانزده سال قبل از بعثت در وصف رسول خدا ص سروده بود شاهد گویای این مطلب است. (امینی، ۱۳۷۹)

۲-۴-۳. جایگاه سیاسی حضرت خدیجه ع با توجه به داشتن سرا و خانه مجلل

حضرت خدیجه ع خانه وسیعی داشت که همه مردم مکه در آن جای می گرفتند. در بالای آن خانه بارگاه آبی رنگی بود و در سطح دیوارهای آن عکس‌های خورشید، ماه و ستارگان را کشیده بودند. این بارگاه با طناب‌های ابریشم با میخ‌های فولادی، بسته شده بود و شکوه خاصی داشت. ثروتمندترین زن مکه، آن روز باید خانه‌ای داشته باشد که درخور مقام و شأن او باشد. بنابراین، خانه ایشان نیز بی نظیر و به گونه‌ای است که در تاریخ مکه چنین خانه‌ای برای غیر ایشان وصف نشده است. (مجلسی، ۱۴۰۴)

۲-۴-۴. جایگاه سیاسی حضرت خدیجه ع از جهت عقل، کمال و اندیشه و قدرت مدیریت

در کتب سیره آمده است: «همانا خدیجه از زیباترین زنان بود. عقلش کامل‌ترین عقول، نظرش تمام‌ترین آرا در میان زنان بود. عفت، دین‌داری، حیاء، مروّت و مال او زبانزد همه زنان و بیشتر از آنان بود.» (محلّاتی، ۱۳۸۵) حضرت خدیجه ع به دلیل بینش و منش مرفقی و ویژگی‌های اخلاقی،

انسانی و مدیریت منطقی و خردمندانه نه تنها اعتماد بازارهای داخلی بلکه بازارهای منطقه‌ای را نیز به دست آورده بود و راه پیشرفت، ترقی و رشد را برای دیگران هم گشوده بود. موفقیت بود که از بی موفقیتی دیگر و سود سرشار بود که از بی سودی دیگر می‌رسید و کاروان تجاری او بود که مورد استقبال بازارهای مصر، یمن، شام، حبشه و... قرار می‌گرفت (ابن جوزی، ۱۴۲۶؛ تهرانی، ۱۳۹۳).

۲-۴-۵. جایگاه سیاسی و اجتماعی حضرت خدیجه علیها السلام با توجه به خواستگاران ایشان

شخصیت‌های معروف آن عصر مانند عقبه بن ابی معیط و صلت بن ابی یهاب که هر کدام چهارصد غلام و کنیز داشتند و همچنین ابوجهل و ابوسفیان، از خدیجه علیها السلام خواستگاری کردند و او جواب منفی داد و باصراحت درخواست آنها را رد کرد. (مجلسی، ۱۴۰۴)

۲-۴-۶. جایگاه سیاسی حضرت خدیجه علیها السلام در فعالیت‌های اقتصادی (تجارت و بازرگانی)

اشتغال به تجارت و خرید و فروش در جاهلیت، مخصوص مردان نبود و برخی از زنان از خاندان بزرگ مکه هم به امر تجارت و بازرگانی می‌پرداختند مانند حضرت خدیجه علیها السلام که از تاجران پرآوازه و والامقام روزگار خود بود که مردان بسیاری برای او تجارت می‌کردند. (طبری، ۱۳۷۵) همچنین اسماء (دختر مخربه، مادر عبدالله بن ابی ربیع) در مدینه به تجارت عطر می‌پرداخت. وی عطرهايش را از یمن می‌آورد (ابی الفرج اصفهانی، بی‌تا). درباره فعالیت‌های اقتصادی حضرت خدیجه آمده است: «کان لها من الاموال و المواشي، شیء لا یحصی؛ برای ایشان از اموال و چهارپایان (اعم از اسب، شتر و گوسفند) عددی غیر قابل شمارش بود» (مجلسی، ۱۴۰۴). «لیس بکة اکثر مالاً من خدیجه علیها السلام؛ در شهر مکه که اکثر اهل آن در پیشه تجارت مشغول بودند کسی از خدیجه علیها السلام ثروتمندتر نبود» و همین عبارت، گویای ثروت ایشان است (مجلسی، ۱۴۰۴). در مورد ثروت حضرت خدیجه علیها السلام نظرات دیگری هم وجود دارد. صاحب کتاب *تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت* می‌نویسد:

درست روشن نیست ثروت حضرت خدیجه علیها السلام چقدر بوده است. تصور نمی‌رود که مال فراوانی داشته است؛ زیرا در آن روزگار، مرد و زن قریش در تجارت شرکت داشتند و در سرمایه و سود و زیان تجارت مکه در سوریه، فلسطین، مصر، یمن، حبشه و حیره سهیم بودند. اگر هم خدیجه مال فراوانی داشته که از پدر و دو شوی سابق

خود به ارث برده و سود تجارت هم بر آن افزوده بود، باز چندان نبوده که شهرت یافت بلکه او هم مانند بسیاری از زنان مکه ثروت نسبی داشته است. (دوانی، ۱۳۷۰)

۲-۵. جایگاه و اقدامات سیاسی حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ از زمان ازدواج با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تا بعثت

اگرچه حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ در دوره جاهلیت جایگاه اجتماعی و سیاسی خاص و قابل توجهی داشت درحالی که تنها بیست و پنج سال داشت، با ازدواج با جوانی که از نظر مالی تهیدست بود و در سن کودکی پدر و مادرش را ازدست داده و تحت سرپرستی پدر بزرگ و عمویش رشد و نمو یافته بود، تعجب همگان را برانگیزد. در این دوره هم نقش سیاسی حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ به خوبی مشهود است که اهم آن عبارتند از:

۲-۵-۱. اعطای جایگاه سیاسی به حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با بخشش تمام اموال خود به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بعد از ازدواج

حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ که جایگاه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بسیار والایی داشت براساس گزارش بسیاری از تاریخ نگاران، پانزده سال قبل از بعثت، با حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که جوانی بیست و پنج ساله بود ازدواج کرد. رسم عرب جاهلی این بود که وقتی پیمانی بین قبایل به وجود می آمد، فرد به آن قبیله تعلق داشت. اولین کاری که حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ بعد از ازدواج انجام داد، بخشیدن تمام اموال و دارایی خود به حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود و به عموزاده خود هم گفت در ملاءعام اعلام کند که حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ تمام اموال و دارایی خود را به حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بخشیده است تا اینکه همه بدانند حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم جزء ثروتمندان مکه است. با چنین کاری، جایگاه سیاسی حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تثبت شد. صاحب بحار الانوار آورده است:

خدیجه بانوی بزرگ و باقتدار قریش، شما را به گواهی می طلبد که خودش، ثروت و سرمایه اش و همه خدم و حشم و جمیع مایملک خود و چهارپایان و صداق و مهریه و هدایایی را که از گوشه و کنار به او رسیده است، همه را به حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بخشیده و در ملک خاص او قرارداده است تا تجلیل شایسته ای از شأن و شخصیت او به عمل آید و مورد تعظیم و تکریم واقع شود. (مجلسی، ۱۴۰۴)

این تصمیم حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ از جهاتی بزرگ تر از تصمیم نخستین او برای ازدواج

با محمد امین علیه السلام بود. همه بدخواهان را منکوب کرد، زبان های طعن و استهزاء را برید و زمینه را به نفع محمد امین علیه السلام و پیامی که از طرف خداوند خواهد داشت، آماده کرد.

۲-۵-۲. حفظ جایگاه سیاسی حضرت محمد صلی الله علیه و آله با معاف کردن ایشان از فعالیت های اقتصادی

حضرت خدیجه علیها السلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله را از زحمت اداره اموال خود معاف کرد و مانند سابق، این کار را خودش به عهده گرفت تا او فرصت کافی برای تفکر و تأمل در امور مربوط به خود را داشته باشد. شاهد بر این مطلب آن است که حضرت محمد صلی الله علیه و آله قبل از آنکه به رسالت مبعوث شود، بیشتر اوقات در غار حراء به سر می برد و تمام ماه مبارک رمضان را در این نقطه می گذراند و در غیر این ماه هم برای دوربودن از غوغا و برای تفکر و عبادت به آنجا پناه می برد. (سبحانی، ۱۳۸۵)

۲-۵-۳. دادن جایگاه سیاسی به حضرت محمد صلی الله علیه و آله با پاس داشتن شخصیت ایشان

حضرت خدیجه علیها السلام از زمان پیمان مقدس ازدواج با حضرت محمد صلی الله علیه و آله که مردم او را فقط به امین بودن و امانت داری می شناختند، چنان احترام می گذاشت که زبانزد عام و خاص شده بود. اگرچه هیچ کس از آینده درخشان این جوان اطلاعی نداشت، اما حضرت خدیجه علیها السلام آن را به خوبی می دانست و جایگاه و مقام ایشان را برای آینده ای نزدیک ارتقا می بخشید. به همین دلیل همیشه پاسدار حریم و شخصیت همسر بود. حضرت خدیجه علیها السلام با وجود داشتن اموال فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه در برخورد با رسول اکرم صلی الله علیه و آله همواره حرمت او را پاس می داشت و کوچک ترین رفتاری که نشانی از اظهار برتری دهد از خود بروز نمی داد. (مجلسی، ۱۴۰۴)

۲-۵-۴. داشتن عنوان ملکه بطحاء

صاحب کتاب راه حضرت محمد صلی الله علیه و آله می نویسد:

حضرت خدیجه علیها السلام نه تنها بانوی بانوان قریش بود بلکه ملکه جهان عرب هم بود، آن هم بدون آنکه سپاهی داشته باشد و از ارتشی برخوردار گردد. قدرت این بانو، عقل و خردمندی و تقوا و آینده نگر و منش متریقی او بود. او از بینش معنوی برخوردار بود و دریچه ای از غیب و جهان دیگر بر او گشوده شده بود که پیامبری از نسل عبدالمطلب به وجود خواهد آمد. پیامبری که برترین پیامبران است و او کسی

جز محمد امین عليه السلام نیست. حضرت خدیجه عليها السلام خواستگاران بسیاری داشت، اما به سینه همه آنها دست رد زده بود و به یک سو نظر داشت و او امین قریش بود.

(صدر، ۱۳۸۶)

از امتیازات غرورانگیز حضرت خدیجه عليها السلام این است که ایشان به گونه ای در خودشناسی، شناخت حق، شناخت طبیعت و تاریخ، شناخت گذشته و آینده موفق بود و به گونه ای در خودسازی و خودشکوفایی برنامه ریزی نمود و اوج گرفت که در ردیف معدود دختران و زنان برگزیده و ملکه جمال و کمال، نواندیشی و ترقی خواهی و الگوی عدالت طلبی و ستم ستیزی بود. صاحب کتاب *نساء لهن فی التاریخ الاسلامی* نصیب می نویسد: «حضرت خدیجه عليها السلام مال، جمال و کمال را در یکجا جمع کرد و این صفات سه گانه هرگاه در یکجا جمع شوند، به زن آثاری از عظمت و بلندی مقام می دهند و حضرت خدیجه عليها السلام نیز این چنین بود». (ابراهیم حسن، ۱۹۶۴) شرافت حضرت خدیجه عليها السلام تنها به اصالت ها و نجابت های خانوادگی خلاصه نمی شد بلکه خود موصوف به صفات نیک و خلق نیکو بود و آن حضرت را به دلیل داشتن این ویژگی ها می ستودند. از این رو، حضرت خدیجه عليها السلام معروف و مشهور به ملکه بطحاء شد (محلّاتی، ۱۳۸۵).

۲-۵-۶. موقعیت سیاسی حضرت خدیجه عليها السلام به عنوان مهتر بانوان قریش

شخصیت حضرت خدیجه عليها السلام چنان چشمگیر و مورد احترام خاص و عام بود که ایشان را با عنوان سیده النسوان و سرور بانوان می خواندند. صاحب *البدایه والنهایه* می گوید: «کانت اوسط نساء قریش نسباً و أعظمهن شرفاً و اکثرهن مالا» (ابن کثیر، ۱۴۰۸؛ ابن هشام، ۱۴۱۱؛ محلّاتی، ۱۳۸۵). حضرت خدیجه عليها السلام در نسب و قبیله، متوسط و در شرافت و بزرگواری بزرگ تر از همه و در مال و مکنّت از همه ثروتمندتر بود. زرقانی از علمای اهل سنت می گوید: «او [خدیجه] سرور بانوان قریش خوانده شد» (زرقانی، ۱۴۱۷). ابوعلّم از علمای اهل سنت می گوید: «حضرت خدیجه عليها السلام در جاهلیت به طاهره و سرور زنان قریش خوانده می شد» (ابوعلّم، بی تا).

۲-۶. جایگاه سیاسی حضرت خدیجه عليها السلام از زمان بعثت تا سال دهم بعثت

حضرت خدیجه عليها السلام بیست و پنج سال زندگی مشترک با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم داشت که ده سال از این زندگی، بعد از بعثت بود.

۲-۶-۱. بیعت حضرت خدیجه علیها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان اولین مسلمان

یکی از امتیازات و ویژگی های برجسته حضرت خدیجه علیها السلام انتخاب شایسته و هوشمندانه او و پیشتازی در انتخاب اسلام بود. در تاریخ یعقوبی آمده است: «حضرت خدیجه علیها السلام نخستین کسی بود از جنس زنان که مسلمان شد و علی علیه السلام نیز نخستین کسی بود از جنس مردان که اسلام اختیار کرد» (یعقوبی، ۱۳۸۴؛ قندوزی الحنفی، ۱۴۱۶). امام علی علیه السلام می فرماید: «جمع نشد در آن روز (روز بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) در اسلام غیر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت خدیجه علیها السلام؛ و من سومین نفر آنها بودم». (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲)

۲-۶-۲. تأیید سیاسی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و بزرگ ترین حامی سیاسی ایشان بعد از بعثت

حضرت خدیجه علیها السلام با همراهی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با قرائت نماز در کنار کعبه، جایگاه سیاسی و اجتماعی خود را نشان داد و حمایت عبادی و سیاسی خود را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اعلام نمود. عقیف می گوید:

در عصر جاهلیت به مکه آمدم تا برای خانواده ام از لباس ها و عطر آنجا خریداری نمایم. پیش عباس بن عبدالمطلب نزدیک کعبه رفتم که مردی تاجر بود. ناگهان جوانی را دیدم که وارد مسجد الحرام شد و نظر خود را به آسمان افکند. آن گاه روبه کعبه ایستاد. درحالی که یک نوجوان و یک زن هم به وی پیوستند و به نماز ایستادند و رکوع و سجود انجام می دادند. عباس گفت: «آیا می دانی که این جوان کیست». گفتم: نه. گفت: «این محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم، پسر برادر من، است و آن نوجوان، علی بن ابی طالب علیه السلام و آن زن هم حضرت خدیجه علیها السلام، دختر خویلد و همسر آن جوان، است. همانا پسر برادرم به من خبر داده که پروردگار او که پروردگار آسمان و زمین است وی را به این دینی که به آن عقیده دارد، امر کرده است. به خدا سوگند که در روی زمین کسی بر این دین به جز این سه نفر نیست». (نسائی، ۱۴۱۱؛ طبری، ۱۳۷۵؛ ابن اثیر، ۱۹۷۰)

به تصریح اهل سنت در تقدم اسلام حضرت خدیجه علیها السلام آمده است: «و کان أول من أسلم خدیجه بنت خویلد من النساء». (ابن سعد، ۱۴۱۴؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۲؛ یعقوبی، ۱۳۸۴؛ قندوزی الحنفی، ۱۴۱۶؛ ابن اثیر، ۱۴۰۸۹؛ ابن اسحاق، ۱۳۹۸؛ امینی، ۱۳۷۹) حضرت خدیجه علیها السلام خدمات بسیاری در قابل فشارهای وارده بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان انجام داد؛ از جمله اینکه اموال خود را به مسلمان بخشید تا بخشی از فقر آنها را جبران کند. زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اصحاب ایشان از سوی دشمنان اسلام تحت آزارهای جسمی و روانی قرار داشتند، حضرت



خدیجه علیها السلام با آرامش بخشی و همدلی خود این وضعیت را قابل تحمل می‌کرد. در زمان قحطی، خشک سالی و ماجرای تحریم اقتصادی مسلمانان از طرف قریش و هم‌پیمان‌های ایشان، حضرت خدیجه علیها السلام همه اموال خود را برای حفظ اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و کمک به محاصره‌شدگان در شعب ابی طالب مصرف کردند (سبحانی، ۱۳۸۵). در میان این فشارها، سختی‌ها، استهزاها، آزارها و... خدیجه نه فقط به‌عنوان همسر، بلکه به‌عنوان کسی که می‌توانست رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را درک کند همراه و همدل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود و استقامت می‌کرد. فقط او می‌توانست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را با آن روح بزرگ دریابد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در هیچ جا آرام نمی‌گرفت مگر در کنار حضرت خدیجه علیها السلام. (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۰۴؛ ابن جوزی، ۱۴۲۶) در آغاز رسالت، زمانی که برخی از مردم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را مجنون و ساحر می‌خواندند (ر.ک.، ابن هشام، ۱۴۱۱) حضرت خدیجه علیها السلام با روشن بینی خاص و درک هوشمندانه متوجه تغییراتی در پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و در وضع جسمانی آن حضرت بود و یقین داشت که تمام تغییرات و پیدایش آن وضع خاص جسمانی، آثار دگرگونی و تحول عمیق روحی و معنوی است (ر.ک.، ابن شهر آشوب، ۱۰۴۸؛ ابن سعد، ۱۴۱۴؛ طبری، ۱۳۷۵؛ حلبی، ۱۴۰۸؛ بلاذری، ۱۴۱۷؛ شوشتری، ۱۴۱۰؛ ابن سید الناس، ۱۴۱۴).

۲-۶-۳. تبلیغات عبادی و سیاسی حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام همواره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و کمالاتش را به مردم معرفی می‌کرد؛ چنانکه آورده‌اند که حضرت خدیجه علیها السلام بعد از ازدواج فرمود: «بدانید که شأن حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم عظیم و بزرگ است و فضل او فراگیر و بخشش او زیاد» (مجلسی، ۱۴۰۴)؛ آن‌گاه آن قدر پول و عطر به آنها داد که آنها را مات و مبهوت کرد. حضرت خدیجه علیها السلام با عبارات کوتاه، مقام بلند رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به دیگران گوشزد می‌کرد و هر جا که لازم می‌دید، با بیان گرم و شیوای خود به تبلیغ از نبوت می‌پرداخت و جایگاه والا و بلندمرتبه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را برای مردم بیان می‌نمود. نقش سیاسی حضرت خدیجه علیها السلام در حمایت از نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم و تبلیغ رسالتش ظهور یافت به طوری که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی ایشان را صدیقه امت اسلامی نامید (ابن کثیر، ۱۴۰۸) که بیانگر تأییدها و تصدیق‌های حضرت خدیجه علیها السلام به‌عنوان زنی برجسته و شخصیت سرشناس قریش در پیشبرد اهداف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و یکی از اهداف مهم عبادی و سیاسی حضرت خدیجه علیها السلام امر به معروف و نهی از منکر عرب جاهلی بود (تهرانی، ۱۳۹۳).

۲-۶-۴. نقش اقتصادی و سیاسی حضرت خدیجه علیها السلام در پیشرفت اسلام

اسلام با ثروت، امکانات و حمایت‌های گسترده حضرت خدیجه علیها السلام بسط، گسترش و پایداری یافت. (کتانی، بی تا) حضرت خدیجه علیها السلام تمام مهر، محبت و ثروتش را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بخشید و با ایثار، عطوفت و مهربانی بی نظیر، حامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود و با انفاق مال خویش در راه استحکام و تحکیم اسلام موانع و مشکلات را از راه مسلمانان کنار زد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ما قام ولا استقام الدین الا بسیف علی و مال خدیجه» (سیلاوی، ۱۴۲۱؛ حائری مازندرانی، ۱۳۸۵). در روایت دیگر فرمود: «مَا نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مَا نَفَعَنِي مَالُ خَدِيجَةَ» (مجلسی، ۱۴۰۴؛ طوسی، ۱۴۱۴؛ سیلاوی، ۱۴۲۱؛ عاملی، ۱۴۲۶).

حضرت خدیجه علیها السلام برای مقابله به سیل اتهامات ناروای اعراب جاهلی مبنی بر تهیدستی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، به پسرعمویش ورقه دستور داد که تمام دارایی‌اش را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم هدیه کند و یادآور شد: «همه دارایی و اموال من از این پس مُلک حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و به او تعلق دارد و هرطور که بخواهد می‌تواند در آن تصرف نماید». ورقه هم در میان جمعیت حاضر در کنار کعبه با صدای بلند فریاد زد:

ای جمعیت عرب! من از طرف حضرت خدیجه علیها السلام سخن می‌گویم؛ شما شاهد باشید که خدیجه علیها السلام خودش، ثروت و سرمایه‌اش و همه خدم و حشم و جمیع مایملک خود و چهارپایان و صداق و مهریه و هدایایی را که از گوشه و کنار به او رسیده است، همه را به محمد صلی الله علیه و آله و سلم بخشیده و در مُلک خاص او قرار داده است تا تجلیل شایسته‌ای از شأن و شخصیت او به عمل آید و مورد تعظیم و تکریم واقع شود. (مجلسی، ۱۴۰۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ثروت حضرت خدیجه علیها السلام را برای خریداری بردگان تحت شکنجه، ادای قرض بدهکاران و بینوایان، هجرت نومسلمانان از مکه به مدینه و تأمین هزینه‌های محاصره اقتصادی و غیره مصرف کرد. (مجلسی، ۱۴۰۴؛ شاهرودی، ۱۴۱۹؛ ابن هشام، ۱۴۱۱) در محاصره اقتصادی، همه اموال ابوطالب علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام صرف حمایت از محاصره‌شدگان و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شد (طبرسی، ۱۳۹۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴). بنابراین، گذشت، ایثار، انفاق و حمایت‌های حضرت خدیجه علیها السلام با بذل اموال، موجب پیشرفت اسلام شد. از نگاه مفسران، آیات ۶ تا ۱۰ سوره ضحی دربارہ حضرت خدیجه علیها السلام و حمایت مالی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است:



«مگر نه تو را یتیم یافت، پس پناه داد و تو را سرگشته یافت، پس هدایت کرد و تو را تنگ دست یافت و بی نیاز گردانید».

وقتی رسول خدا ﷺ تنگدست بود خدای تعالی او را از طریق ازدواج با حضرت خدیجه رضی الله عنها بی نیاز کرد. (ابن شهر آشوب، ۱۰۴۸) قرطبی در تفسیر آیات فوق می نویسد: «یعنی تو را به واسطه حضرت خدیجه رضی الله عنها بی نیاز کرد» (قرطبی، ۱۴۲۷). ابن عباس می گوید:

در مورد تفسیر این آیه شریفه که خداوند می فرماید: «و جدک عائلاً فأغنی» سؤال کردم و حضرت در جواب فرمود: «و تو را تهیدست یافت؛ یعنی نزد قومت فقیر بوده و آنها می گفتند اندوخته ای ندارد و خداوند به وسیله ثروت سرشار حضرت خدیجه رضی الله عنها بی نیازت کرد». (سیلوی، ۱۴۲۱؛ حائری مازندرانی، ۱۳۸۵؛ ابن بابویه، ۱۳۶۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴)

۳. بحث و نتیجه گیری

حضرت خدیجه رضی الله عنها در عصر جاهلیت موقعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی والایی داشت. ایشان با داشتن خواستگاران از اشراف و بزرگان مکه، به دلیل آگاهی که از ظهور پیامبری در آینده ای نزدیک داشت و نشانه های نبوت را در جوانی امین از قریش یافته بود، همه خواستگاران را رد کرد و پانزده سال قبل از بعثت با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ازدواج نمود. حضرت خدیجه رضی الله عنها در اولین اقدام خود تمام اموال خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بخشید و در مرحله بعد به برادرزاده اش دستور داد تا به تمام ساکنان مکه اعم از بزرگان و اشراف و مردم عادی اعلام کند که ثروت و تمام مایملک حضرت خدیجه رضی الله عنها به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم تعلق دارد و از این طریق هم جایگاه اقتصادی و هم جایگاه سیاسی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را ارتقا داد. از طرف دیگر، حضرت خدیجه رضی الله عنها در طول ۲۵ سال زندگی مشترک با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از جایگاه سیاسی خود را برای رشد و ترقی و گسترش اسلام استفاده نمود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۲). مترجم: مهدی، الهی قمشه ای. قم: انتشارات دلیل ما.
۱. ابراهیم حسن، حسن (۱۹۶۴). تاریخ الاسلام السياسي والديني والثقافي والاجتماعي. قاهره: مکتبه النهضه المصريه.
 ۲. ابن اسحاق، محمد بن یسار مطلبی مدنی (۱۳۹۸). السیر والمغازی. بیروت: دارالفکر.
 ۳. ابن سیدالناس، ابوالفتح محمد (۱۴۱۴). عیون الاثر فی فنون المغازی والشمال والسیر. بیروت: دارالعلم.



۴. ابن شهر آشوب، ابی عبدالله (۱۰۴۸). مناقب آل ابی طالب. نجف: المكتبه الحیدریه.
۵. ابن کثیر الدمشقی الشافعی، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۸). البدایه والنهایه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۷. ابن هشام (۱۴۱۱). السیره النبویه. بیروت: دار القلم.
۸. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۴۰۸). الکامل فی التاریخ. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۹. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۹۷۰). اسد الغابه فی معرفه الصحابه. قاهره: دار الشعب.
۱۰. ابن بابویه القمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن الحسین (۱۳۶۱). معانی الاخبار. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۱. ابن جوزی، عبدالرحمن (۱۴۲۶). تذکره الخواص. قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع).
۱۲. ابن حجر عسقلانی (۱۴۱۲). الاصابه فی تمییز الصحابه. بیروت: دار الجبل.
۱۳. ابن سعد، محمد (۱۴۱۴). الطبقات الکبری. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۴. ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر (۱۳۶۱). بلاغات النساء. نجف: حیدریه.
۱۵. ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین (۱۹۹۴). الاغانی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. ابوعلم، توفیق (بی تا). فاطمه الزهراء (ع). قاهره: دار المعارف.
۱۷. امل نصیر (۲۰۰۰). صورہ المرأة فی الشعر الاموی. بیروت: مؤسسه العربیه.
۱۸. امینی، عبدالحسین احمد (۱۳۷۹). الغدیر فی کتاب السنه والادب. بیروت: دار الکتب العربی.
۱۹. آلوسی، سید محمد شکر (۱۳۱۴). بلوغ الارب. محقق: بهجه الأثری، محمد. بی جا: دارالکتاب المصری.
۲۰. آیور، مک کنی (۱۳۴۶). جامعه و حکومت. مترجم: کنی، ابراهیم علی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۱. برو، توفیق (۱۴۱۷). تاریخ العرب. دمشق: دار الفکر.
۲۲. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷). انساب الاشراف. محقق: سهیل زکار. بیروت: دار الفکر.
۲۳. بهشتی، احمد (۱۳۶۸). زنان قهرمان. تهران: انتشارات آیین جعفری.
۲۴. بهرانی، حسین (۱۳۹۳). خصائص ام المؤمنین خدیجه الکبری (ع). قم: طوبای محبت.
۲۵. جعفریان، رسول (۱۳۶۹). تاریخ سیاسی اسلام. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۶. جواد، علی (۱۹۷۶). المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام. بیروت: دارالعلم للملایین و بغداد: مکتبه النهضه.
۲۷. حائری مازندرانی، محمد مهدی (۱۳۸۵). شجره طوبی. نجف: المکتبه الحیدریه.
۲۸. حلبی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۸). السیره الحلبیه فی سیره الامین المؤمن. بیروت: دارالمعرفه جاحظ.
۲۹. دشتی، محمد (۱۳۷۹). ترجمه و شرح نهج البلاغه. قم: مشهور.
۳۰. دوانی، علی (۱۳۷۰). تاریخ اسلام از آغاز تا هجرت. قم: جامعه مدرسین دفتر نشر اسلامی.
۳۱. دوورزه، موریس (۱۳۸۲). اصول علم سیاست. مترجم: قاضی ابوالفضل. تهران: نشر علمی فرهنگی.
۳۲. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا. تهران: نشر دانشگاه تهران.
۳۳. ذهبی، شمس الدین محمد (۱۴۱۷). سیر اعلام النبلاء. بیروت: مؤسسه الرساله.
۳۴. رجایی، فرهنگ (۱۳۶۸). سیاست چیست و چگونه تعریف می شود. نشریه سیاست خارجی، ۱۰، ۱۷۵-۱۹۱.
۳۵. زرکانی مصری مالکی، عبدالباقی بن یوسف (۱۴۱۷). شرح المواهب اللدنیه بالمنح المحمدیه (ع). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۶. زهیر حطب (۱۹۷۶). تطور بنی الاسره العربیه. بی جا: الانماء العربی.
۳۷. سالم، عبدالعزیز (۱۳۸۰). تاریخ عرب قبل از اسلام. تهران: نشر علمی و فرهنگی.
۳۸. سبحانی، جعفر (۱۳۸۵). فروغ ابدیت. قم: بوستان کتاب.
۳۹. سعد زغلول، عبدالحمید (۱۹۷۵). فی التاریخ العرب قبل الاسلام. بیروت: دار النهضه العربیه.
۴۰. سهیلی، عبدالرحمن (۱۳۸۷). الروض الانف. بی جا: دارالکتب الاسلامیه سنه الطبع.
۴۱. سیلوی (۱۴۲۱). الانوار الساطعه. قم: چاپخانه علمیه.
۴۲. شاهرودی، علی (۱۴۱۹). مستدرک سفینه البحار. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۴۳. شوشتری، شیخ محمد تقی بن کاظم (۱۴۱۰). قاموس الرجال فی تحقیق رواه الشیعیه و محدثیهم. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۴۴. شوقی ضیف (۱۹۶۰). تاریخ الادب العربی، العصر الجاهلی. مصر: دارالمعارف.
۴۵. شهیدی، سید جعفر (۱۳۸۶). تاریخ تحلیلی اسلام. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۴۶. صباغ، عماد (۱۹۹۸). الاحناف. دمشق: دارالحصاد.
۴۷. صدر، سید رضا (۱۳۸۶). راه محمد (ع). قم: نشر مؤسسه بوستان کتاب.

۴۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰). اعلام الوری باعلام الهدی. تهران: نشر اسلامیه.
۴۹. طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). تاریخ الطبری. محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دار التراث.
۵۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). امالی. قم: انتشارات دارالتقافیه.
۵۱. عاملی، سید جعفر مرتضی (۱۴۲۶). الصحیح من سیره النبی الاعظم. قم: دارالحدیث.
۵۲. عبدالکریم، خلیل (۱۹۹۷). قریش من القبیلہ الی الدولہ المرکزیه. بیروت: مؤسسہ الانتشار العربیہ.
۵۳. عسکری خانقاه، اصغر (۱۳۶۸). فرهنگ مردم شناسی. تهران: نشر ویس.
۵۴. عقیفی، عبدالله (۱۹۰۰). المرأه العربیہ فی ظلال الاسلام. بیروت: دارالکاتب عربی.
۵۵. غزالی اصفهانی، علی (۱۳۸۸). دانستنی های فاطمی. قم: نشر عطر عترت.
۵۶. قرطبی، محمد بن احمد الانصاری (۱۴۲۷). الجامع لاحکام القرآن. بی جا: مؤسسہ الرساله.
۵۷. قمی مشهدی، محمدرضا (۱۳۶۸). کنز الدقائق. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ اسلامی.
۵۸. قندوزی الحنفی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۱۶). ینابیع الموده لذوی القربی علیهم السلام. تهران: دارالاسوه.
۵۹. کتانی، سلیمان (بی تا). فاطمه الزهراء علیها السلام وتر فی غمد. بی جا: بی نا.
۶۰. کحاله، عمرضا (۱۴۰۲). اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام. بیروت: مؤسسہ الرساله.
۶۱. مامقانی، عبدالله (۱۴۳۱). تنقیح المقال. نجف: مطبعه رضویه.
۶۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام. تهران: دارالتعارف للمطبوعات مؤسسہ الوفا.
۶۳. محلاتی، ذبیح الله (۱۳۸۵). ریاحین الشریعه فی احوال النساء الشیعه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶۴. معروف الحسینی، هاشم (۱۳۶۰). سیره الائمه الاثنی عشر، المواضع اهل البيت علیهم السلام. بی جا: المكتبه الحیدریه.
۶۵. معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین. تهران: نشر فردوس.
۶۶. مهدی پور، علی اکبر (۱۳۸۶). سرچشمه کوثر امؤمنین خدیجه کبری علیها السلام. قم: سیمای آفتاب.
۶۷. نسائی، علی بن شعیب (۱۴۱۱). السنن الکبری. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶۸. نصر حامد، ابوزید (۱۳۸۰). معنای متن. تهران: طرح نو.
۶۹. نویری، شهاب الدین (۱۳۶۴). نهاییه الارب فی فنون الادب. قاهره: دارالکتب و الوثائق القومیه.
۷۰. وینست، اندرو (۱۳۹۱). نظریه های دولت. مترجم: بشیری، حسین. تهران: نشر نی.
۷۱. هاشمی، علی (۱۹۶۰). المرأه فی الشعر الجاهلی. بغداد: مطبعه المعارف.
۷۲. هیثمی المصری، علی بن ابی بکر (۱۴۲۲). مجمع الزوائد. بیروت: دارالکتب العربی.
۷۳. یعقوبی، یعقوب بن جعفر (۱۳۸۴). تاریخ یعقوبی. قم: منشورات الشریف الرضی.
۷۴. یمان، محمد عبده (۱۹۹۸). ام المؤمنین خدیجه بنت خویلد بانویی در قلب مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم. مترجم: ابراهیمی، محمد. شیراز: ایلاف.
۷۵. یموت، بشیر (۱۴۱۹). شاعرات العرب فی الجاهلیه و الاسلام. سوریه: دارالقلم العربی.

